



دولت‌های مسلمان

دولت موحدون در غرب جهان اسلام «تشکیلات و سازمان‌ها»

تألیف:

عزالدین عمر موسی

ترجمه:

صادق خورشیا



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

عمر موسی، عزالدین

دولت موحدون در غرب جهان اسلام «تشکیلات و سازمان‌ها» / تألیف عزالدین عمر موسی؛
ترجمه صادق خورش. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
۳۰۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۸: گروه تاریخ؛ ۱۶)
بها: ۱۳۰۰۰ ریال
ISBN: 978-964-93906-5-9
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۲۸۵-۲۹۱؛ همچنین به صورت زیرنویس
نمایه.

۱. موحدون. ۲. مغرب - تاریخ - ۲۷ - ۹۲۳ ق. الف. خورش، صادق، ۱۳۳۳ - مترجم. ب. پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
۱۳۸۱ م ۸ د ۹ / DT ۱۹۹
۹۶۱/۰۲۲



دولت موحدون در غرب جهان اسلام «تشکیلات و سازمان‌ها»

مؤلف: عزالدین عمر موسی

مترجم: صادق خورش

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ اول: زمستان ۱۳۸۱)

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☐ تلفن: ۳۲۱۱۱۰۰ (۰۲۵) انتشارات: ۳۲۱۱۱۲۰۰

نمابر: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰ ☐ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اُسکو ☐ تلفن: ۳۷۱۸۵ - ۳۱۵۱

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فهرست مطالب

۹	سخن پژوهشگاه
۱۱	پیشگفتار
۱۳	دیباچه

مقدمه

۱۵	موضوع کتاب و اهمیت آن
۱۸	منابع و تحقیقات درباره موضوع
۲۰	منابع
۲۷	تذکره‌ها
۲۹	مآخذ جغرافیایی و سفرنامه‌ها
۳۰	دائرة المعارفها و کتاب‌های آیین کشورداری
۳۰	تحقیقات و مطالعات
۳۰	الف) عربی
۳۳	ب) خارجی

فصل اول: پیش درآمد تاریخی

۳۵	اوضاع سیاسی پیش از موحدین
۳۷	تأسیس دولت موحدین
۴۵	دوران شکوفایی
۴۶	دوره توسعه قلمرو
۴۹	برتری و چیرگی بر دولتهای معاصر
۵۱	رویارویی با شورشهای داخلی
۵۲	پیشرفتهای اقتصادی

۵۳	شکوفایی و توسعه آبادانی:
۵۳	نهضت علمی
۵۵	دوره فروپاشی و سقوط

فصل دوم: تشکیلات حزبی

۵۹	مفهوم حزب
۶۰	آغاز تشکیلات و سازماندهی
۶۰	پراکندگی و آشفتگی معلومات و اطلاعات
۶۱	تاریخچه تکوین تشکیلات و سازمانها
۶۴	نقش تشکیلات و سازمانها
۶۷	شوراهای مشورتی
۷۳	طلبه
۷۴	عامه مردم
۷۵	آموزش و تربیت افراد
۷۶	اندیشه‌های ابن تومرت
۸۰	منابع عقیدتی
۸۰	برنامه عقیدتی
۸۲	الگوهای موحدين در تاسيس تشکيلات خود
۸۳	تأثيرات فکری
۸۳	تأثيرات فرهنگی
۸۴	تأثير تجارب ديگران
۸۴	تشکيلات فاطمیان
۸۵	تغییراتی که پس از تشکیل دولت موحدين صورت پذیرفت
۸۵	تشکل شیوخ موحدين
۹۰	طلبه
۹۳	حافظان
۹۵	طلبه شهری (دارالخلافه)
۹۸	موضعگیری دولت از غير موحدين
۱۰۰	روش‌های آموزشی و تربیتی در این دوره

فصل سوم: نظام سیاسی

۱۰۳	خلافت
۱۰۴	پیدایش خلافت موحدین
۱۰۴	الف) دوره مهدویت
۱۰۵	نقش شورا در خلافت
۱۰۹	ب) دوره وراثتی خلافت
۱۱۳	نگرش موحدین به خلافت
۱۱۵	القاب خلفا
۱۱۷	علائم و شعار خلافت
۱۱۸	شرایط خلافت
۱۲۰	انتخاب خلفا
۱۲۳	نحوه بیعت
۱۲۶	اختیارات خلفا
۱۲۹	اهل الدار (اطرافیان مخصوص)
۱۳۴	شوراهای مشورتی

فصل چهارم: تشکیلات اداری

۱۴۱	سازمان مرکزی
۱۴۱	وزارت
۱۴۸	دیوان انشا
۱۵۲	برید
۱۵۳	دیوان تشریفات
۱۵۳	اداره تدارکات نظامی (دیوان نظامی)
۱۵۴	اداره امور مالی
۱۵۹	خلاصه و نتیجه بحث
۱۶۰	اداره امور ایالتها
۱۶۰	ایالتها
۱۶۴	والیان

۱۶۸	اختیارات والیان
۱۷۰	حکومت ایالتها
۱۷۰	خلاصه و نتایج تحقیق

فصل پنجم: تشکیلات مذهبی

۱۷۴	منابع احکام
۱۸۰	قضاوت
۱۸۴	شوراء یا افتاء
۱۸۴	عدالت، شهادت، و یا تأیید
۱۸۵	پیگیری دادخواهی
۱۸۶	دیوان حسبه
۱۸۹	شرطه (نیروی انتظامی)
۱۸۹	نماز جماعت
۱۹۰	پیش نماز
۱۹۰	خطیب نماز
۱۹۱	مؤذنان
۱۹۲	تشکیلات دینی دیگر
۱۹۲	اهل حزب
۱۹۳	مسئول کتابخانه
۱۹۳	نتایج تحقیق

فصل ششم: تشکیلات نظامی

۱۹۵	ارتش
۱۹۵	دستگاههای اجرایی ارتش
۱۹۵	قبایل موحدین
۱۹۶	دیگر قبایل بربر
۱۹۸	اندلسیان
۱۹۹	عربها
۲۰۱	غزها

فهرست مطالب ۷

۲۰۳	رومیان
۲۰۵	سیاهپوستان
۲۰۶	شمار نظامیان
۲۰۹	تقسیمات ارتشی موحدین
۲۱۲	یگانهای نظامی
۲۱۳	فرماندهی
۲۱۷	تجهیزات
۲۲۲	ارتش و جنگ
۲۲۲	دین و جنگ
۲۲۴	آمادگی جنگی
۲۲۷	آمادگی حرکت
۲۲۹	رژه نظامی
۲۳۰	برنامه‌ریزی‌های جنگی
۲۳۲	روش نبرد
۲۳۳	ارتش موحدین در دوره فروپاشی
۲۳۶	ناوگان دریایی
۲۳۶	دوره تشکیل
۲۳۷	صنعت ناوگان
۲۳۹	تجهیزات
۲۳۹	فرماندهی
۲۴۳	نقش ناوگان در دوره شکوفایی
۲۴۴	نقش ناوگان در دوره فروپاشی
۲۴۶	بودجه
۲۴۶	دوره شکوفایی
۲۴۷	زکات
۲۴۸	عشر اموال
۲۴۸	خمس فلزات
۲۴۹	غنایم
۲۵۰	خراج

۲۵۲	منابع مالی دیگر
۲۵۳	دوره فروپاشی
۲۵۳	مالیات در دوره فروپاشی
۲۵۴	هزینه‌ها
۲۵۴	ارتش
۲۵۷	کارمندان
۲۵۷	صله‌ها
۲۵۸	تأسیسات عمرانی
۲۵۹	فعالیت‌های اجتماعی
۲۵۹	مسکوکات
۲۶۲	خاتمه
۲۶۳	خاتمه
۲۶۷	ضمیمه‌ها
	فهرست منابع و مأخذ و تحقیقات
۲۸۵	منابع
۲۸۹	مأخذ
۲۹۰	تحقیقات
۲۹۳	فهرست راهنما

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی، ضرورتی است که امروز بیش از همیشه آشکار شده است. دستیابی به اهداف مشترک و ویژه جوامع، نیازمند بهره‌گیری از نتایج و پژوهش‌های گوناگون، از جمله پژوهش‌هایی است که در قلمرو انسانی انجام می‌شود. بی‌تردید پژوهش‌هایی در پیشبرد برنامه و نیل به اهداف کارآیی دارند که از موضعی آشنا با فرهنگ جامعه صورت گیرند و مسایل جامعه را به درستی و در تعامل با اندیشه و ارزش‌های آن دریافته باشند. از این روست که بومی‌سازی علوم، به ویژه علوم انسانی، معنا می‌یابد.

پژوهش کارآمد در جامعه ایرانی، ناگزیر مستلزم شناخت فرهنگ ایرانی است. اسلام مؤلفه اصیل و اصلی فرهنگ ایرانی است که به مثابه عنصر ذاتی در اندیشه و رفتار ایرانی تجلی پیدا می‌کند. بنابراین، شناخت اسلام و بررسی نسبت به آن با علوم انسانی و تبیین قلمروهای مشترک و ویژه هر یک و نیز بررسی گونه‌های مختلف داد و ستد میان آنها، در پژوهش‌های مجامع علمی ایران جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. حاصل این مطالعات، به عنوان هدفی راهبردی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بومی‌سازی علوم انسانی دارد.

به منظور تحقق این مهم، در سال ۱۳۶۱ با راهنمایی و عنایت حضرت امام خمینی (ره) «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» به همت استادان حوزه و دانشگاه شکل گرفت و در سالیان فعالیت خود، برای رسیدن به این هدف بستر مناسبی فراهم آورد و فعالیت‌های مؤثری صورت داد. در ادامه راه، گسترش و تعمیق کار، جایگاه و دامنه کاری بالاتری را برای این مجموعه اقتضا می‌کرد. از این رو شورای گسترش آموزش عالی در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۶ تأسیس «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» را تصویب کرد.

«پژوهشکده حوزه و دانشگاه» با بهره‌گیری از استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه به پژوهش‌های تطبیقی و تحقیقات علوم انسانی از منظر اسلامی، به منزله مقدمه‌ای

ضروری برای بومی‌سازی علوم انسانی می‌نگرد و حاصل این پژوهش‌ها را در اختیار جامعه دانشگاهی و دیگر علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

یکی از وظایف این پژوهشکده، تدوین متون و منابع آموزشی دانشگاهی در قلمرو علوم اسلامی و علوم انسانی، متناسب با نظام آموزش عالی ایران است؛ از این رو پژوهش‌هایی را در این موضوعات صورت می‌دهد. که حاصل آن‌ها، به عنوان متون و منابع آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد، تهیه شده است امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای خود، این پژوهشکده را در جهت اصلاح این کتاب و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشکده لازم می‌داند از مترجم گرامی، جناب آقای دکتر صادق خورشیا و تلاش حجت الاسلام و المسلمین رسول جعفریان در تهیه طرح دولت‌های مسلمان و زمینه‌سازی ترجمه این اثر تشکر و قدردانی کند.

پیشگفتار

دو نیاز، «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» را بر آن داشت تا طرحی را در زمینه تاریخ دولتهای مسلمان عرضه کند: نخست آنکه در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی»، عناوینی چند درباره شناخت تاریخ دولتهای مسلمان وجود دارد که در خصوص بسیاری از آنها کتابی تألیف نشده است. بنابراین، عرضه کتابهای مناسب برای پر کردن این خلأ، ضروری به نظر می‌آید. دوم آنکه امروزه با وجود جمهوری اسلامی ایران، شناخت پیشینه دولتهای بزرگ اسلامی در طول تاریخ، بسیار سودمند و راهگشاست. دولت اسلامی ایران، که در امتداد دولتهای بزرگ اسلامی قرار دارد و منادی احیای تمدن بزرگ اسلامی است، باید بر تجربه‌های به دست آمده تکیه کند و از آنها بهره‌مند گردد. بر این اساس لازم بود تا فهرستی از این دولتها تهیه، و برای هر یک کتابی مناسب تألیف یا ترجمه شود.

گزینش این دولتها بر اساس دامنه نفوذ آنها در ابعاد زمانی و مکانی صورت گرفته است؛ چنانکه گاه برخی از آنها در شرق و برخی در غرب، سالها قدرت سیاسی بزرگی را در اختیار داشته و در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و جغرافیای سیاسی جهان نقشی مهم ایفا کرده‌اند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

گروه تاریخ

دیباچه

کتاب الموحدون فی الغرب الاسلامی، تنظیماتهم و نظمهم^۱ نخستین تحقیق از سه تحقیقی است که از دسامبر ۱۹۶۷ تا اوت ۱۹۷۵ به رشته تحریر درآورده‌ام؛ دو تحقیق دیگر عبارتند از: دراسات فی تاریخ المغرب الاسلامی^۲ و النشاط الاقتصادي فی المغرب الاسلامی فی القرن السادس الهجری / الثاني عشر الميلادی.^۳

این کتاب رساله فوق لیسانسی است که در فوریه ۱۹۶۹ به گروه تاریخ دانشگاه امریکایی بیروت تقدیم داشته‌ام و دکتر نیکولایزاده^۴، استاد راهنمایم بوده و استادان دکتر احسان عباس و کنسانتین زریق^۵ آن را بازبینی کرده، و راهنمایی‌های سودمندی ارائه داده‌اند.

در چاپ این کتاب کوشیده‌ام که هیچگونه تغییر اساسی در شالوده‌های فکری آن رخ ندهد تا بیانگر خط مشی علمی نگارنده در پژوهش‌ها و مطالعات تاریخی خود باشد، اما در روند این تحقیق از لحاظ جمع‌آوری و بررسی صحت و سقم و نحوه ارائه مواد علمی آن بر مبنای انتقادات و راهنمایی‌ها از یک سو و تأثیر آن بر مخاطبان از سوی دیگر، تغییراتی دادم بدون آن‌که خدشه‌ای بر روش علمی تحقیقات تاریخی وارد گردد. مهمترین تغییرات، گنجاندن بخش منابع و تحقیقات در مقدمه و افزودن خاتمه در پایان کتاب است؛ با توجه به این‌که هر فصلی خاتمه‌ای دارد.

در اینجا لازم می‌دانم از زحمات بی‌شائبه استاد ارجمند دکتر نیکولایزاده قدردانی کنم که مرا با وجود آنکه علاقه‌مند به پژوهش‌های مشرق اسلامی بودم، به سوی پژوهش‌های مغرب اسلامی راهنمایی نمودند. همچنین از زحمات بی‌حد و حصر استاد دکتر عباس قدردانی می‌کنم که در آغاز این تحقیقات توجه خاصی به این تحقیق نمودند و راهنمایی

۱. همین کتاب.
۲. تحقیقاتی در تاریخ مغرب اسلامی.
۳. فعالیت‌های اقتصادی در مغرب اسلامی در قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی.
۴. نقولایزاده.
۵. قسطنطین زریق.

لازم را در آشنایی با مسائل پیچیده تاریخ مغرب اسلامی ارائه و دشواری‌ها را هموار نمودند و کوره راه‌های تاریک را با نور علم خود منور ساختند.

دکتر احسان عباس تکیه گاهی بودند که بار خستگی را از تنم زدودند و کتابخانه شخصی ایشان توشه راه من در عبور از کوره راه‌های طولانی آن دوره تاریخی بود. که اگر از آن شاخه سبز با طراوت بتوانم عطری دل‌انگیز به دست آورم، همانا به غایت آرزوها و ثمره تلاش‌هایم رسیده‌ام.

همچنین از برادر عزیز، استاد دکتر یوسف فضل حسن که نوشته‌های مرا در بیروت مطالعه و راهنمایی‌های با ارزشی در ترتیب فصول کتاب نمود، تشکر و قدردانی می‌کنم. از شیخ ابراهیم کتانی و شیخ محمد منونی نیز به خاطر نقشی که در بارور کردن این تحقیق داشته، بسیار متشکرم. در ضمن از مسئولان کتابخانه دانشگاه امریکایی بیروت، به‌ویژه دکتر یوسف خوری و استاد حدّاد و سرکار خانم زخریا به پاس همکاری‌های بی‌دریغشان در تهیه منابع و مآخذ و نسخه‌های خطی مورد نیاز بسیار سپاسگزارم.

در پایان از دولت جمهوری سودان که بورس تحصیلی دانشگاه امریکایی بیروت را در اختیار من گذاشتند، به‌ویژه از آقایان عبدالحلیم علی طه و عبد الرحمن الشیخ و محمد ابراهیم النور که کمک‌های شایانی در این زمینه نمودند، بسیار سپاسگزارم و از انتشارات دارالشروق نیز که دو تحقیق مذکور مرا به چاپ رسانیدند، بسیار تشکر می‌کنم. گفتنی است که این انتشارات در سال ۱۹۷۹ میلادی در صدد چاپ این کتاب بود، اما به علت اوضاع جنگی، این کار انجام نیافت و حتی اصل دست نوشته هم مفقود گردید. جا دارد از انتشارات دار الغرب الاسلامی نیز که در سال ۱۹۹۰ میلادی این کتاب را پس از مدّتهای مدید به چاپ رسانید، تشکر کنم.

عزالدین عمر موسی

مقدمه

موضوع کتاب و اهمیت آن

مردم مغرب جهان اسلام در سده‌های میانه، از مشرقیان جهان اسلام به سبب بی اطلاعی آنان از اوضاع و اخبار مغرب اسلامی انتقاد می‌کردند و اگرچه مشرقیان به علت دوری، بعد مسافت و کمبود اخبار و اطلاعات معذور بودند، ولی امروزه پس از به‌هم پیوستن دولتهای جهان به یکدیگر و از بین رفتن فاصله میان آنها، به طور کلی یا نسبی به کمک وسایل ارتباط جمعی پیشرفته و فراهم آمدن وسایل و ابزارهای تحقیق، دیگر عذر و بهانه‌ای برای آنان باقی نمی‌ماند.

بررسی و مطالعه تاریخ مغرب اسلامی نیازمند تلاشهای بسیاری از محققان و پژوهشگران است، و با وجود تلاش بعضی از مغربیان معاصر و شمار اندکی از مشرقیان - که از زمان نه چندان دور به بررسی و مطالعات مغربی و اندلسی اهتمام ورزیده‌اند - اما هنوز مسائل گوناگون و دوره‌های متعددی از تاریخ این خطه به‌طور علمی بررسی و مطالعه نشده است. تاریخ اعراب به طور کلی نیاز مبرمی به این‌گونه بررسی‌ها و تحقیقات دارد؛ زیرا مطالعات تاریخی این قرن برای شناخت پیشینه تاریخی خود متوسل به عناصر فرهنگ و تمدن خود شده است. پژوهشی ژرف و فراگیر پیرامون فرهنگ و تمدن عربی - اسلامی میسر نمی‌شود، مگر با مطالعه جوانب متعدد و جلوه‌های گوناگون آن، که روشن ساختن جنبه‌های مبهم و تاریک تاریخ مغرب اسلامی یکی از جنبه‌های آن است و بررسی تشکیلات سیاسی - اداری جهان اسلام به طور عام و مغرب اسلامی به‌طور خاص.

از این رو مطالعه تشکیلات سیاسی موحدین و نظام حکومتی آنان در مغرب را به‌عنوان موضوع مورد بحث برگزیدیم. علاوه بر آن، بررسی این موضوع به شناخت تشکیلات و سازمانهای دولتی و اداری که به مدت پنج قرن پس از دوره موحدین در مغرب بزرگ اسلامی حکمفرما بود، کمک شایانی می‌کند؛ زیرا تشکیلات اداری موحدین در طی این مدت همچنان در مغرب اسلامی ادامه یافته است، به‌ویژه در دولتهایی که پس

از موحدين بر سر کار آمدند و نحوه عملکرد آنان را دنبال نمودند؛ مانند دولتهای حفصيان در تونس، مرينيان در مغرب دور، بنی عبدالواد در تلمسان و نصريان در غرناطه، و گویا بسیاری از تشکیلات موحدين حتی پس از فروپاشی دولتهای مذکور ادامه یافته است. علاوه بر این دوران موحدين دوران امتزاج فرهنگ و تمدن دو جامعه مغرب اسلامی و اندلس بود. با وجود چیرگی سیاسی مغرب دور - در دوره مورد بررسی ما - باید گفت همان منطقه تحت تأثیر عمیق فرهنگ و تمدن اسلامی اندلس هم قرار گرفته بود و در حقیقت تشکیلات آن دوره چیزی نیست، جز جلوه‌ای از تأثیرات اندلسی.

چه بسا بهترین امری که دال بر اهمیت موضوع مورد بررسی ماست این است که دوران موحدين گویای دو تجربه مهمی است که امروزه در دوره معاصر مشابه آنرا مشاهده می‌کنیم که عبارتند از:

۱- تلاش موحدين برای این که جامعه را تحت تأثیر اندیشه واحدی قرار دهد؛ آن هم از طریق واگذاری اختیارات دولتی به پیشگامان پیروی این اندیشه.

۲- القای اندیشه احیای اسلام در میان پیشگامان و برپایی جامعه و دولت اسلامی به شیوه‌ای که گام به گام از عصر رسالت پیروی کند.

این دو تجربه از جمله مسائلی است که نیاز دارد با نتایج آن آشنا شویم؛ به ویژه این که امت ما از سپیده دم استقلال سیاسی با تجاربی مشابه آن دو تجربه در اغلب کشورهای عربی و اسلامی، با برداشت‌هایی مختلف از این اندیشه مواجه است و همه، راه و روش واحدی با اختلاف در خط مشی فکری و پایه‌های عقیدتی و برداشت‌های سیاسی ویژه دارند، و با نظر به اهمیت موضوع، از منابع نخستین به شیوه نقادانه استفاده کنیم و صورتی کلی از دگرگونیها و تحولات سیاسی دولت موحدين ترسیم نماییم و این تحولات سیاسی و نوسانهای آنرا با تشکیلات و سازمانهای موحدين مقایسه کرده، پیوند دهیم.

این کتاب شامل مقدمه، هفت فصل و خاتمه است.

در مقدمه، مآخذ موضوع و تحقیقات پیرامون آن، همراه با بیان ارزش هر یک از آنها نسبت به موضوع، نقد و بررسی شده است.

فصل اول، شامل تحولات سیاسی دولت موحدين است و دوره‌های سه گانه اصلی این دولت: دوره تاسیس، دوره شکوفایی و دوره فروپاشی و سقوط، همراه با بیان ویژگی‌های اساسی و نشانه‌های بارز هر دوره می‌باشد.

فصل دوم، حاوی بررسی تشکیلات حزبی موحدین که پیشگامان دعوت را در دوره انقلاب و کارگزاران را در مرحله تشکیل دولت، تربیت می‌کردند.

در این فصل به نقد و بررسی جامع مفهوم حزب پیش موحدین و شکل‌گیری تشکیلات حزبی و نقش آن، نحوه آموزش حزبی و نقش و وظیفه آن و تغییراتی که بر همه آن امور به علت انتقال از مرحله انقلاب به مرحله شکل‌گیری دولت، عارض شده بود، پرداخته‌ایم.

فصل سوم، درباره نظام سیاسی است که خط مشی سیاست دولت را ترسیم و تعیین می‌کند و شامل دستگاه خلافت و شوراهای مشورتی آن است و در این زمینه به بیان مواد موحدین از خلافت، شروط خلافت، نحوه انتخاب خلفا، مراسم بیعت با آنان، القاب و عناوین آنان و نقش درباریان و نفوذ آنان بر خلفا پرداخته‌ایم. سپس شوراهای مشورتی و زمان شکل‌گیری و اختیارات و تحولات آن و تغییراتی که در دوره‌های سه گانه دولت به علت تغییرات سیاسی رخ داده بود، بحث و بررسی شده است.

در چهار فصل بعدی، تشکیلات اجرایی سیاست‌های کلی نظام سیاسی بررسی شده است.

فصل چهارم، شامل سازمان اداری، اعم از مرکزی یا ایالتی، که شامل وزارت، دیوان انشا، برید، اداره امور نظامی و مالی و انتخاب والیان و اختیارات آنان است.

فصل پنجم، شامل تشکیلات دینی، بررسی منابع احکام از دیدگاه موحدین، سازمانهای صدور و اجرای آن احکام و نظارت بر آنها، مانند دستگاههای قضایی، شورا، دادگستری، دادرسی، حسبه، اقامه نماز و امور مربوط به آن، مانند امامت، خطبه و اذان است.

فصل ششم، از آنجایی که دولت‌های موحدین به برقراری امنیت و حفظ آن بیش از دیگر امور اهمیت می‌دادند، در این فصل به بررسی تشکیلات نظامی، از قبیل ارتش که شامل ارگانهای ارتشی، تعداد، بخش‌ها، یگانها، فرماندهی، تجهیزات و تاکتیک‌های جنگی از نظر آمادگی، حرکت، نظم، ساماندهی، کنترل، نقشه و نحوه جنگ می‌شود و ناوگان دریایی - اعم از تشکیل آن، کارگاههای تولید و تجهیزات آن همراه با بررسی تحولاتی که در سه دوره تشکیل، شکوفایی و فروپاشی دولت موحدین رخ داده است - پرداخته‌ایم.

فصل هفتم، لازم بود که سازمانهای مالی که دیگر سازمانها وابسته آنها هستند بررسی

شوند؛ بنابراین این فصل، شامل درآمدها و هزینه‌ها - با توجه به تحولات و دگرگونی‌هایی که در اوضاع دولت موحدين واقع شده - می‌باشد. در خاتمه کتاب نتایج این بررسی‌ها به اجمال آورده شده است؛ روند تشکیلات و سازمانهای موحدين و عوامل منجر به آن را با روند فکری موحدين و تعهدشان به آن پیوند داده‌ایم.

منابع و تحقیقات درباره موضوع

کسانی که می‌خواهند تشکیلات و نظامهای تاریخ اسلام را بررسی کنند، با دشواریهای بسیاری مواجهند؛ زیرا منابع عربی کمتر به موضوع بررسی آن اشاره می‌کنند. از این رو ماده‌ای را که پس از کوششهای بسیار جمع‌آوری می‌کنند، در سطح این کوششها نیست. اگر این مسئله درباره تاریخ اسلام به طور کلی درست باشد، پس مسئولیت کسی که قصد دارد یک دوران تاریخی کوتاه را مطالعه کند، دشوارتر خواهد بود؛ به خصوص اگر منبعی درباره تشکیلات این دوران در دسترس نباشد و منبعی بجز منابع کلی تاریخ، ادبیات و جغرافیا در اختیار او نباشد، این دشواریها - در صورتی که منابع دوران موضوع بررسی محقق از بین رفته باشد - دوچندان خواهد بود. شاید در اینجا سودمند باشد که گزیده‌هایی را از میراثی که در دوران موحدين تدوین شده و از بین رفته بود، معرفی کنیم تا ارزش منابع به دست آمده را بشناسیم.

بسیاری از منابع پیرامون دوران موحدين به قلم کسانی که همزمان با دولت موحدين زندگی می‌کردند و در حوادث آن سهم بودند، مفقود گردیده است. از جمله این کتابها: المجموع فی تاریخ الموحدين است که مؤلفی ناشناخته آن را تدوین کرده بود، و «بیدق» از این کتاب نقل کرده است. از این رو به نظر می‌رسد که مؤلف آن در نیمه قرن ششم ق. ۱۲۷ م.^۱ زندگی می‌کرده است، و کتاب فضایل المهدي ابوالقاسم مؤمن، و کتابی برای ابن راعی - که نام آن برای ما معلوم نیست و بسیاری از متأخران از آن نقل کرده‌اند - و کتاب تاریخ الدولة الموحديه ابوالقاسم سهیلی، و کتاب الاکتفاء فی تاریخ الخلفای ابوالقاسم کربوسی - که در زمان خلافت منصور موحدي آن را تصنیف نمود - و کتاب تاریخ فی دولة عبدالمؤمن و حربه

۱. نک: بیدق: کتاب اخبار المهدي و ابتداء دولة الموحدين، (تصحیح لوی پروونسال، پاریس، ۱۹۲۸ م) ص ۸۱ و پس از آن، و ما به این منبع با نام اخبار المهدي اشاره خواهیم کرد.

ابوالعباس احمد بن محمد فهري اشبيلى، معروف به ابن سميرة (متوفى در حدود قرن ۶ق. ۱۲/م).^۱، و كتاب تاريخ الموحدين ابوالحجاج يوسف بن عمر،^۲ و كتاب نظم اللآلى فى فتوح الامر العالى ابوعلی حسن بن عبدالله اشبیری،^۳ و كتاب شجرة انساب الخلفاء و الامراء، و كتاب میزان العمل ابوعلی حسن بن عتیق بن حسین بن رشیق،^۴ و كتاب الانوار الجلیة فى اخبار الدولة المرابطية ابن صيرفی (ت ۵۷۰ / ۱۱۷۴) که آن را تا سالهای آخر زندگی اش تألیف می کرد،^۵ و كتاب تاريخ المرابطين و الموحدین ابو عبید مراکشى، و المقباس فى اخبار المغرب و ماس ابن وراق.^۶

کتابهای برخی از مورخان که معاصر موحدین بودند، و در مورد آنان در مشرق کتاب تألیف کردند، از بین رفته است؛ مانند المغرب فى اخبار محاسن اهل المغرب ابو یحیی یسع (ت ۵۷۵ / ۱۱۷۹)^۷ و تاريخ المغرب و من تولاه من اتباع ابن تومرت ابو حسن بن يوسف ققطی (د ۶۲۴ / ۱۲۷۲).^۸

تعدادی از تذکره ها و فهرست مؤلفان که در دوران موحدین تدوین شده بود، به دست ما نرسیده است؛ مانند کتابهای ابن فرتوت، فهرستهای ابن ملجوم، ابن قطان، ابو عبدالله اسدی، ابن عیسی صنهاجی^۹ و بسیاری کتابهای دیگر.^{۱۰} وانگهی، بسیاری از تألیفاتی که به دست ما رسیده است، به طور کامل در اختیار ما قرار نگرفته است؛ چنانکه از معرفی آنها در این فصل برای ما روشن خواهد شد. از این رو برای ما معلوم می شود ماده ای که از آن بهره برده ایم، حاصل منابعی اندک از یک میراث

۱. در مورد آنان نک: ابن سوره: دليل مورخ المغرب الاقصى (الدار الاقصى، دار الكتاب، ۱۹۶۰ م.) ج ۱، ص ۱۳۳ - ۱۳۶، و به این منبع با نام دليل اشاره خواهیم کرد.
۲. ابن ابی زرع: الأئیس المطرب بروض القرطاس فى اخبار ملوک المغرب و تاريخ مدينة فاس (به اهتمام کارل بوجن تورینگر، یا بساله ۱۸۴۳-۱۸۴۶ م) ص ۱۳۷ و ابن ابی زرع ابوالحجاج یوسف را «مورخ دولتهم» یعنی تاریخ نویس دولتشان می نامد. و ما به کتاب الائیس المطرف با نام روض القرطاس اشاره خواهیم نمود.
۳. ابن آبار، الحلة السیراء (تصحیح حسین مونس، قاهره، ۱۹۶۳ م) ج ۲، ص ۹۲.
۴. دليل، ج ۱، ص ۱۶۶.
۵. ابن زبیر: قسمت آخر صلة الصلة (تصحیح لوی پروونسال، رباط، ۱۹۳۷ م) ص ۱۸۲، و ما با نام صلة الصلة به این منبع اشاره خواهیم کرد.
۶. نک: دليل، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۶.
۷. دليل، ج ۱، ص ۱۶۴.
۸. دليل، ج ۱، ص ۱۳۶.
۹. رک: صلة الصلة، ص ۱۴۹، ۳۵۸، کتانی. فهرس الفهارس و الاثبات و معجم المعاجم و المشیخات، و الاثبات، المسلسلات (فاس، المطبعة الجديدة، ۱۳۳۷ م) ج ۲، ص ۱۱۴.
۱۰. رک: منونى: العلوم والآداب و الفنون على عهد الموحدين (تطوان، المطبعة المهدية، ۱۹۰۵ م) ص ۶۸، و ما به این تحقیق با نام العلوم والآداب اشاره خواهیم کرد.

گسترده است که زمان به ما یاری نرسانده است تا از آن استفاده نماییم و اگر کتابهای متأخر ماده کتابهای مفقود را نقل کرده‌اند، این کار را به طور کامل انجام نداده‌اند.

کار ارزیابی منابع مطالعات و بررسیهای پیرامون آن از کتابهای تاریخی آغاز شد از کتابهایی که منحصرأ درباره دولت موحدين نوشته شده تا کتابهای پیرامون مغرب، به طور کلی و کتابهای تاریخ اسلام. سپس بررسی تذکرها از تذکرهاى عمومى گرفته، تا کشورها و ملیتها و نسبا و طبقات گوناگون، مانند ادبا، فقها و صوفیان، و کتابهای فهرست شیوخ در مورد کتابهای تاریخ و تذکرها، کتابهای مغربی را بر مشرقی مقدم داشته‌ایم؛ زیرا مغربها یا معاصر رخدادها بودند و یا در سرزمین این رخدادها زندگی می‌کردند و بدین وسیله توانستند از ماده و آگاهیهای پیشینیان، از مشرقی‌ها بهتر بهره ببرند.

پس از این، نوبت به ارزیابی کتابهای جغرافیایی، سفرنامه‌ها، و دائرةالمعارف‌ها، و اشعار می‌رسد، و در پایان به معرفی مطالعات و تحقیقات عربی و سپس خارجی و مطالعات خارجی که به زبان عربی ترجمه شده پرداخته‌ایم؛ زیرا معیار تقسیم‌بندی را بر پایه زبان بنا نهاده‌ایم.

منابع

کتابهایی که به طور مستقل پیرامون دولت موحدين تألیف شده، از سه منبع به دست آمده است که عبارتند از: مدارک رسمی، تألیفات ابن تومرت، و نوشته‌های تاریخ‌نویسان. لوی پروونسال ۳۷ نامه موحدين را که از جانب خلفا صادر شده و از انشای دبیران آنان بود، منتشر کرد.^۱ وی این نامه‌ها را از یک نسخه خطی که در کتابخانه اسکوریال محفوظ است استخراج کرد، بجز رساله دهم که از کتاب صبح الاعشى به آن نامه‌ها افزود.^۲ این نامه‌ها از سوی خلفا به مردم شهرها، کارگزاران، دانشجویان آن، و یا همه آنان صادر می‌شد که جنبه تبلیغاتی و یا ارشادی تربیتی داشت؛ اما از بسیاری از سازمانهای سیاسی، اداری، نظامی و مالی موحدين پرده بر می‌دارد، این نامه‌ها اساس حصول اطمینان از یک خبر و یا بررسی یک اصطلاح بوده است.

دومین منبع، تألیفات ابن تومرت است. وی رساله‌های بسیاری نوشته بود که

۱. لوی پروونسال این نامه‌ها را با عنوان: رسائل الموحديه من انشاء كتاب الدولة المؤمنية منتشر کرد. (رباط الفتح المطبعة الاقتصادية، ۱۹۴۱ م) و ما به آن با نام رسائل موحديه اشاره خواهیم نمود.

۲. رسائل موحديه، ص ۱۰۰ از مقدمه.

معروفترین آنها اعز ما یطلب، قواعد، امامت و مرشده است. گلدتهیر همه این رساله‌ها را در کتاب تعلیق ابن تومرت جمع آوری کرده است.^۱

این رسایل در مورد توضیح اندیشه‌های دینی و سیاسی ابن تومرت و اثر آن در جهت دادن به اخلاقیات موحدین نقش به سزایی داشت؛ به طوری که آنان را مطیع و فرمانبردار او به بار آورد. همچنین به ما کمک کرد تا تصویری از منابع احکام نزد موحدین و دیدگاه آنان به خلافت ارائه دهیم.

منبع سوم (آخرین منبع ما) منابعی است که به طور جداگانه درباره تاریخ دولت موحدین نوشته شده است. از این گونه منابع تنها دو کتاب به دست ما رسیده است که یکی از آنها از آن ابوبکر بن علی صنهاجی ملقب به «بیدق» است - که در قرن ۶ ق. ۱۲/ م. زندگی می‌کرد و با ابن تومرت از آغاز جنبش او همراه و در وقایع و رخدادهای مهم سهیم بود. لوی پروونسال قسمتهای باقی مانده کتاب بیدق را با قسمتهای دیگری با عنوان اخبارالمهدی و ابتداء دولة الموحدين منتشر کرد و با وجود این که بیدق در حوادث مشارکت داشت، این جزء نشان نمی‌دهد که مؤلف قصد دارد تاریخ دورانی را که شاهد آن بوده، بنگارد و بیشتر به یادداشتهایی می‌ماند که برای یادآوری تدوین شده است؛ زیرا اطلاعات آن اندک و مختصر است. علاوه بر آن بعضی از آنچه را که ذکر می‌کند، جنبه‌ای افسانه‌ای دارد.

کتاب دوم را ابومروان عبدالملک بن صاحب الصلاه (د ۵۹۴ / ۱۱۹۴) تصنیف کرد و آن کتاب: المن بالامامه علی المستضعفین بأن جعلهم الله ائمة و جعلهم الوارثین...^۲ است. ابن صاحب الصلاه حوادث را براساس سال ذکر می‌کند و روش نگارش وی حالت سجع دارد، اما این روش تأثیری بر دقت اخبار و اطلاعات نداشته است؛ زیرا منابع وی شامل روایتهای مستقیم، مشاهده، و مدارکی که متون بسیاری از آن را آورده است، می‌باشد. از این رو کتاب او سرشار از اطلاعات مربوط به تشکیلات و سازمانهای سیاسی، اداری، دینی، نظامی، و مالی است و به همین سبب از این منبع به طور عمده در تهیه این

۱. ابن تومرت: تعلیق ابن تومرت (الجزایر، ۱۹۰۳ م) و ما به این منبع با نام مهمترین رسائل آن، یعنی اعز ما یطلب اشاره خواهیم کرد. ابن تومرت کتاب دیگری نیز دارد با نام الموطأ (از انتشارات چاپخانه فوننتاته الشریقه در الجزایر ۱۹۰۷ م) که ما نتوانستیم به آن دست یابیم.

۲. این کتاب را عبدالهادی تازی تصحیح کرد و در بیروت سال ۱۹۶۴ م به چاپ رسید، و ما به آن با نام المن بالامامه اشاره خواهیم کرد، در عین حال این چاپ پر از اشتباهات است.

تحقیق بهره برده‌ایم.

و ما می‌توانیم کتابهایی را که پیرامون دولت حفصی تألیف شده است، جزء این مجموعه به حساب بیاوریم؛ زیرا دولت حفصی تونس در حقیقت امتدادی برای دولت موحدین در مغرب اقصی بود و این کتابها به دوران موحدین به عنوان مقدمه‌ای برای دولت حفصی پرداخته است. بنابراین اطلاعات آن مختصر است و از کتابهای پیشین برگرفته شده است. از این قبیل کتاب تاریخ الدولین الموحديه و الحفصية ابو عبدالله محمد بن ابراهیم لؤلؤی زرکشی (۸۸۷ / ۱۴۸۲) است. وی به منابعی استناد کرده که بیشتر آن به دست ما رسیده است^۱ و با وجود این که بر منابعی تکیه داشته است که اغلب آنها در دست ماست، در عین حال از کتابی از ابن نخیل^۲ بهره جسته که از جمله کتابهای مفقود به شمار می‌رود؛ ابن نخیل در آغاز کار حفصیان کاتب آنها بوده است و زرکشی از طریق روایت ابن نخیل اطلاعاتی را در مورد اختیارات والیان و شخصیت‌های با نفوذ در اختیار ما قرار داده است.

درست است که قسمت عمده منابعی که در دوره موحدین و منحصرأ در مورد آنان نوشته شده بود، از بین رفته است، اما بسیاری از روایتهای آنها در کتاب تاریخ عمومی محفوظ مانده که مهمترین آنها شش کتاب است که به تاریخ مغرب بزرگ می‌پردازند:

۱- المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، ابو محمد عبدالواحد بن علی مراکشی (تألیف ۱۲۲۴/۶۲۱). وی کتابش را در مشرق تصنیف نمود که این امر باعث شده است در آوردن روایتهای^۳ و نقد آن^۴ تا اندازه بسیاری بی طرف باشد. همچنین ارتباط‌های وی با دولتمردان موحدین موجب شد تا کتابش سرشار از اطلاعات سیاسی باشد. اما اهمیت مراکشی در اهتمام وسیع او به سازمانهای موحدین متجلی می‌شود؛ زیرا وی به ذکر وزرا، کاتبان، قاضیان و والیان هریک از خلفا اهتمام ورزیده و به‌طور گسترده به تشکیلات موحدین و قبایل آنان پرداخته و در ذیل کتابش معلومات جغرافیایی مهمی را آورده که به ما در مورد

۱. رک: زرکشی، تاریخ الدولین الموحديه و الحفصية (به تصحیح محمد ماضور، تونس، المكتبة العتیقة، ۱۹۶۶ م) ص ۴، و ما به این منبع با نام تاریخ الدولین اشاره خواهیم نمود.

۲. نک: همان، ص ۳.

۳. مراکشی این تومرت را بیش از حد بزرگ نمی‌داند و در عین حال از ارزش مرابطین نمی‌کاهد: رجوع شود به المعجب فی تلخیص اخبار المغرب به تصحیح محمد سعید عربان و محمد علمی، قاهره، چاپخانه الاستقامه، (۱۹۴۱ م)، ص ۱۷۸، ۱۸۵، و ما به این منبع با نام المعجب اشاره خواهیم کرد.

۴. نک: المعجب، ص ۱۷۸، ۱۸۸ و صفحات پس از آن.

شناختن زندگی اقتصادی کمک شایانی نموده است. همچنین وی تنها نویسنده‌ای است که آمارى درباره‌ی ایالت‌های موحدین در مغرب بزرگ آورده است. وی بیشتر، از قوه تخیل خود بهره جسته تا از منابع روایت‌هایش. از این رو بعضی از این روایتها، به ویژه درباره‌ی تاریخ رخدادها، آشفته، ضعیف، و متفاوت با منابع معاصر دیگر بود.^۱ مراکشی روایت دیگری پیرامون دولت موحدین در اختیار ما قرار داده است و این در صورتی است که ما روایت‌های بیذق و ابن صاحب الصلاه را نمایانگر روایت تاریخ‌نویسان درباره‌ی موحدین بدانیم.

۲- کتاب نظم الجمان ابو علی حسین بن قطان کنامی (قرن ۷ ق. / ۱۳ م) مصحح این کتاب احتمال می‌دهد که کتاب در اصل از ۷ جزء تشکیل شده باشد که به تاریخ مغرب از فتوحات اسلامی می‌پردازد.^۲ قسمت عمده‌ی این کتاب از بین رفته است، و قسمت‌های منتشر شده، بخشی از جزء ۶ است و در آن حوادث سال ۵۰۰-۵۳۳ قمری آمده و بر حسب سالها تنظیم شده است. و به احتمال زیاد برای مرتضی خلیفه موحدی نوشته شده بود، و شاید ابن قطان یکی از کاتبان آن خلیفه باشد.^۳ وی به روایت‌های تاریخ‌نویسانی استناد کرده که بیشتر کتاب‌های آنان از بین رفته است؛ مانند یسع، ابن راعی، ابن وراق و ابن صاحب الصلاه. ابن قطان مدارک بسیاری آورده؛ به ویژه، نامه‌ی عبدالؤمن را که به سال ۱۱۴۷/۵۴۳ به ایالتها فرستاده و در آن دستور کار همه‌ی سازمان‌های دولت را بیان کرده بود. خواننده درمی‌یابد این نامه‌ای را که فقط ابن قطان آن را ذکر می‌کند، اساس و پایه‌ی این تحقیق درباره‌ی مقدمات و اصول سازمان‌های موحدین است. گذشته از این، ابن قطان اطلاعات گسترده‌ای را پیرامون تشکلات حزبی موحدین ذکر نموده است.

۳- البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب از ابو عبد محمد ابن عذاری مراکشی که در اواخر قرن ۷ ق. / ۱۳ م. وفات یافته است. ابن عذاری تاریخ مغرب را از فتوحات اسلامی تا سال ۶۶۷ قمری به رشته‌ی تحریر در آورده است. تا مدتی پیش گمان می‌رفت که قسمت مربوط به دوران مرابطین و موحدین از این کتاب مفقود بوده تا این که هویسی قسمت مربوط به دوره‌ی انتقال از مرابطین به موحدین را یافته، آن را منتشر ساخت.^۴ سپس بخش

۱. در این مورد کتاب المعجب، ص ۲۳۶، ۲۴۵ را با المن بالامه، ص ۷۹، ۸۰ مقایسه کنید.

۲. کتاب نظم الجمان تصحیح محمود علی مکی، تطوان، چاپخانه مهدیه، بدون تاریخ، ص قبل از مقدمه و ما به این منبع با نام نظم الجمان اشاره خواهیم نمود.

۳. ر.ک: مقدمه محقق پیرامون نظم الجمان.

۴. هویسی این بخش را در مجله *Hesperis* منتشر کرد، و سپس مؤسسه دارالتقافه آن را به عنوان جزء ۴ البیان

مربوط به موحدین را یافته، آن را به صورت کتابی مستقل منتشر کرد.^۱ ابن عزاری از کتابهای نویسندگان پیش از خود - که بیشتر آنها از میان رفته است - استفاده کرده است. همچنین در قسمت پایانی این بخش از حیات دولت موحدین از روایتهای سماعی و مشاهدات خود استفاده کرد. ما اگر کتاب نظم الجمان را مکمل (قسمت ناقص) اول کتاب المن بالامامة به شمار آوریم، پس شایسته است البیان المغرب را متمم کتاب المن بالامامة بدانیم که مؤید ما در این نظر روایتهای فراوان وی از ابن صاحب الصلاة، و آوردن بسیاری از مدارک و اسناد و مکاتبات مربوط به موحدین، و فراوانی اطلاعات و معلومات سیاسی، اداری، اقتصادی و نظامی در آن است. بنابراین می توان آن را کاملترین منابع مورد استفاده مان دانست.

۴- الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس. این کتاب با نام ابوالحسن علی بن عبدالله بن ابی زرع فاسی (د ۱۳۵۲/۷۲۶) منتشر شد؛ ولی محمد فاسی بر این است که دو کتاب با نام الروض وجود دارد: یکی کتاب الروض ابن ابی زرع که کتابی بزرگ و از جمله کتابهایی است که از بین رفته است؛ و دوم کتاب الروض ابو محمد صالح بن عبدالحلیم غرناطی (د ۱۳۰۸/۷۰۸ یا ۱۳۱۰/۷۱۰) که کتابی مختصر است و در اختیار ما قرار دارد، اما اشتباهاً به ابن ابی زرع منسوب کرده اند.^۲

این کتاب اخبار مربوط به مغرب را از دولت ادریسی ها تا زمان مؤلف ذکر می کند. و روش مؤلف در آن بیان اخبار مربوط به فرمانروایان هر دولت، و سپس ذکر مهمترین حوادث دوران آن دولت است.

ارزش این کتاب در این است که مؤلف اهمیت بسیاری به اوضاع اقتصادی و عمرانی معطوف داشته است. با وجود این بسیاری از روایتهای سیاسی وی آشفته و مبهم است و با منابعی که همزمان با دولت موحدین تدوین شده بود، مغایرت دارد.^۳

۵- مفاخر البربر، که مؤلف ناشناخته ای آن را در سال ۱۳۱۲/۷۱۲ تألیف کرده است، و

➤ المغرب قرار داد، و دکتر احسان عباس تعلیقات بسیاری در ذیل آن آورد. و ما این چاپ دار الثقافه را همیشه با نام: البیان المغرب (چاپ دارالثقافه) ذکر خواهیم کرد.

۱. این بخش را هویسی همراه با محمد بن تاویت و محمد ابراهیم کتانی (تطوان، مجموعه کتابهای آکادمی مولای الحسن، ۱۹۶۰ م) تصحیح کرد، و ما به این قسمت همیشه با نام البیان المغرب، ج ۳ اشاره خواهیم کرد.

۲. نک: فاسی «المورخان»: ابن ابی زرع و ابن عبدالحلیم، مجله تطوان، ۱۹۶۰ م، شماره ۵، ص ۱۵۴-۱۵۶.

۳. این کتاب در نسخه چاپ شده آن به سبب فراوانی اشتباهات در قرائت و کیفیت پایین چاپ آن، نیازمند تصحیح و چاپ مجدد است.

قسمتهای باقی مانده آن تنها گزیده‌های کوتاهی^۱ است که ما به طور مختصر از آن در این تحقیق بهره برده‌ایم.

۶- الحلل الموشية في ذكر الاخبار المراكشية،^۲ که مؤلفی ناشناخته آن را در سال ۱۳۸۱/۷۸۳ تدوین کرده بود. این کتاب به تاریخ مغرب از تأسیس مراکش تا سال ۷۸۳ قمری پرداخته است و با وجود مختصر بودن اطلاعات آن، اما دوران عبدالمؤمن را تا اندازه‌ای مفصل آورده است. این مأخذ اطلاعات مهمی را دربارهٔ تشکیلات حزبی (سازمانی) و اداری موحدین ذکر کرده است و تنها منبعی است که به طور مفصل روش رزمی موحدین را بیان کرده است.

علاوه بر این، به دو کتاب مغربی از کتابهای تاریخ عمومی اسلام رجوع کرده‌ایم:

۱- کتاب اعمال الاعلام في من بوع قبل الاحتلال من ملوك الاسلام از لسان الدین محمد بن عبدالله بن خطیب (د ۱۳۷۵/۷۷۶). لوی پروونسال بخش مربوط به اسپانیا را با نام: تاریخ اسپانیا الاسلامیه منتشر کرد، و احمد مختار عبادی و محمد ابراهیم کتانی بخش مغرب را با عنوان: تاریخ المغرب فی العصر الوسيط منتشر ساختند. در بخش مربوط به اندلس ابن خطیب تاریخ موحدین را به صورت بسیار مختصر و خلاصه آورده است و وعده داده که بعدها حق آن را ادا خواهد کرد.^۳ و اما در بخش مربوط به مغرب، این کتاب از آغاز خلافت عبدالمؤمن فراتر نرفته است. از این رو فایدهٔ این کتاب بسیار اندک و فقط محدود به بررسی برخی از حوادث مربوط به دولتمردان اندلس است که در سازمانهای موحدین در آغاز تأسیس دولت فعالیت می‌کردند.

۲- العبر و دیوان المبتدأ و الخبر از ابوزید عبدالرحمن ابن خلدون (د ۱۴۰۶/۸۰۸). و مقدمهٔ آن - که قسمت اول این کتاب را تشکیل می‌دهد -^۴ اهتمام ویژه‌ای به تشکیلات موحدین داده است، اما بعضی از نتایجی که ابن خلدون به آن دست یافته، با منابع دیگر مغایرت دارد. ابن خلدون به تاریخ موحدین به طور نسبتاً تفصیلی در کتاب تاریخ عمومی

۱. این کتاب را لوی پروونسال با عنوان: نبذ تاریخیة فی اخبار البربر فی العصور الوسطی منتخبة من مفاخر البربر (رباط الفتح، المطبعة الجديدة، ۱۹۳۴ م). و ما به آن با نام مفاخر البربر اشاره خواهیم کرد.

۲. چاپ علوش (رباط الفتح، ۱۹۳۶ م).

۳. نک: تاریخ اسپانیا الاسلامیه (تصحیح لوی پروونسال، بیروت، دارالمکشفوف، ۱۹۵۶) ص ۲۶۵، و ما به این مأخذ با نام اعمال الاعلام (لوی) اشاره خواهیم نمود.

۴. در این تحقیق از چاپ دارالکتاب اللبنانی (بیروت ۱۹۵۶-۱۹۵۹) بهره جستم و به آن با نام العبر اشاره خواهم کرد.

خود پرداخت، و اطلاعات ارزشمندی را در مورد قبایل موحدین که نقش بزرگی در کارهای دولت موحدین داشتند، در اختیار ما قرار داد. همچنین اشاره‌های مهمی درباره کارگزاران و فرماندهان نظامی در آن آمده است.

در پایان، باید گفت که مطالبی درباره تشکیلات موحدین در کتابهای مربوط به دولتهای پس از موحدین نیافته‌ام، و فقط در زمینه بررسی یک خبر مربوط به موضوعی که به تاریخ آنان ارتباط داشته، رجوع کرده‌ام. از جمله کتاب *اللمحة البدرية في الدولة النصرية*^۱ از ابن خطیب، و *الذخيرة السنية في تاريخ الدولة المرينية*^۲ از مؤلفی ناشناخته، و *المؤنس في اخبار افريقية و تونس*^۳ از عبدالله محمد بن ابی القاسم بن ابی دینار رعینی (د ۱۱۱۰ / ۱۶۹۸).

کتابهای تاریخی جهان شرق اسلام کمتر به اخبار و حوادث مغرب پرداخته‌اند، ولی ابوالحسن علی بن محمد بن اثیر شیبانی (د ۶۳۰ / ۱۲۳۳) اطلاعات بسیاری پیرامون موحدین در کتاب *الکامل فی التاریخ*^۴ ارائه داده است. وی اطلاعاتی درباره تشکیلات حزبی (سازمانی) و سیاسی موحدین آورده و نکته مهم این است که ابن اثیر سخت به ثبت تاریخ افريقية (تونس) علاقه‌مند بود و اطلاعات بسیاری پیرامون این ایالت موحدیه در اختیار ما قرار داد.

از جمله کتابهای دیگر مشرقیان که مختص دولت موحدین بود، کتاب *الروضتين في اخبار الدولتين*^۵ از ابوالقاسم عبدالرحمان بن اسماعیل ابوشامه (د ۶۶۵ / ۱۲۶۷) است، و ما از مدارک و اسنادی که در این کتاب در مورد اعزام ابن منقذ به سوی منصور موحدی از طرف صلاح‌الدین ایوبی، و روش استقبال از فرستادگان کشورهای خارجی بهره برده‌ایم. همچنین وی اطلاعات ارزشمندی درباره ورود غزهای مصری به مغرب در اختیار ما قرار داده است. این اطلاعات را جمال‌الدین محمد بن سالم بن واصل (د ۶۹۷ / ۱۲۹۸) در کتاب *مفرج الکروب في اخبار بني ايوب* آورده است.

۱. چاپ محب‌الدین خطیب (قاهره، چاپخانه سلفیه، ۱۳۴۷ هـ)، و ما به آن با نام *اللمحة البدرية* اشاره خواهیم کرد.

۲. چاپ الجزایر، ۱۹۲۰ م، و با نام *الذخيرة السنية* به آن اشاره خواهیم کرد.

۳. چاپ الجزایر، چاپخانه دولتی تونس، ۱۲۸۶ ق، و به آن با نام *المؤنس* اشاره خواهیم نمود.

۴. چاپ دار صادر و دار بیروت (بیروت، ۱۹۶۷ م)، و ما با نام *الکامل* به آن اشاره خواهیم کرد.

۵. چاپ چاپخانه وادی النيل (قاهره، ۱۲۸۷ - ۱۲۸۸ م) و به آن با نام *الروضتين* اشاره خواهیم نمود.

تذکره‌ها

تذکره‌های عمومی روش واحدی را در پیش گرفته‌اند؛ بدین گونه که نام شخص مورد نظر را به طور کامل و سپس کنیه، نسب، و زادگاه یا مکانی که اصل او به آن برمی‌گردد و کشوری را که در آن اقامت کرده، در صورتی که به کشوری دیگر کوچ کرده باشد، ذکر می‌کنند و سپس از شیوخ، علوم و کسانی که از آنها نقل می‌نمایند نام می‌برند و سرانجام تا حد امکان شرح حالش را با ذکر تاریخ درگذشت، زادگاه و مکان به پایان می‌برند. از این رو ارزش آن‌ها در این تحقیق اندک است. از این گونه کتابها می‌توان از کتاب التكملة لكتاب الصلة^۱ از ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن ابی بكر قضاعي بن ابار (د ۱۲۶۰/۶۵۸)، و كتاب صلة الصلة از ابو جعفر احمد بن ابراهيم بن زبير (د ۱۳۰۸/۷۰۸) نام برد. اما بعضی از مؤلفان اطلاعات دیگری افزوده و آگاهیهای تاریخی مهمی آورده‌اند؛ مانند ابن آبار در الحلة السیراء، و ابو عبدالله محمد بن عبدالملک مراکشی (۱۳۰۳/۷۰۳) در کتاب الذیل و التكملة الكتابی الموصول و الصلة^۲، و ابوالعباس احمد ابن محمد مقری تلمسانی (د ۱۶۳۱ / ۱۰۴۱) در کتاب نفع الطیب من غضن الاندلس الرطب^۳. آنان در مطالبی که اضافه کردند اطلاعات مهمی پیرامون تشکیلات موحدین ذکر کردند که در کتابهای تاریخ عمومی نیافته‌ایم؛ مانند نامه‌ای را که ابن عبدالملک آورده است و در آن تأکید شده که موحدین لقب «قاضی الجماعه» را به قاضی پایتخت اطلاق می‌کردند و همچنین اطلاعات سیاسی، اداری، و مالی که مقری با روایتهای طولانی خود از منابع از بین رفته، نقل کرده است. مثال نوع نخست روایتهاى او از کتاب المغرب ابن سعید مغربی، و رساله ابو یحیی بن معلم طنجی در تفضیل مغرب بر اندلس است، و نمونه قسمت دوم اقتباسات طولانی او از سفرنامه تاج‌الدین بن حمویه سرخسی در مغرب در دوران خلافت منصور موحدی است.

و اما در مورد تذکره‌هایی که به شرح حال شخصیت‌های یک شهر اختصاص یافته بود،

۱. چاپ کودیرا (مادرید: ۱۸۸۸-۱۸۸۹ م) و به آن با نام التكملة اشاره خواهیم نمود.

۲. به دو جزئی که احسان عباس تصحیح کرده، رجوع کرده‌ایم (بیروت، دارالثقافة، ۱۹۶۴-۱۹۶۵ م)، به این مأخذ با نام الذیل و التكملة اشاره خواهیم کرد.

۳. به دو چاپ متفاوت از کتاب نفع الطیب رجوع کردیم که عبارتند از: چاپ احمد فرید رفاعی (قاهره، چاپخانه عیسی بابی حلبی، بی‌تا) و با نام نفع (الرفاعی) به آن اشاره خواهیم کردیم، و چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید (قاهره، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۹۴۶ م)، و ما به آن با نام نفع (محیی الدین) اشاره خواهیم کردیم.

مانند عنوان الدراية فيمن عرف من علماء المائة السابعة في بجاية^۱ از ابو عباس احمد ابن احمد بن عبدالله غبريني (د ۱۳۱۵/۷۱۴)، و كتاب الاحاطة في اخبار غرناطه از ابن خطيب، يا كتابهاى انساب، مانند الانساب في معرفة الاصحاب^۲ که مؤلف آن ناشناخته است و يا كتابهايي که در مورد طبقات مختلف جامعه تدوين شده‌اند: درباره ادبا كتاب اعقاب الکتاب^۳ از ابن ابار، و الغصون اليانعة في محاسن الشعراء المائة السابعة^۴ و كتاب اختصار القدح المعلى في التاريخ المحلى^۵ از ابو الحسن بن على بن موسى بن سعيد مغربي (د ۱۲۸۶/۶۸۵)، و درباره طبقة فقها كتاب الديباج المذهب في معرفة اعيان المذهب^۶ از ابراهيم بن على بن فرحون (د ۱۳۹۶/۷۹۹) و كتاب نيل الابتهاج بتطريز الديباج^۷ از احمد بابا تنبکتى (د ۱۵۳۲/۹۶۳) و درباره طبقة صوفيان كتاب الشوف الى رجال التصوف^۸ از يوسف بن يحيى بن زيات تادلى (۱۲۳۰/۶۲۷)، و يا فهرست نامه‌ها، مانند برنامج شيوخ الرعيني^۹. از همه اين آثار فقط در دو بخش مربوط به اداره و برنامه‌هاى مذهبي استفاده شده است؛ زيرا اين کتابها شرح حال شخصيتهايي را آورده است که برخى از آنان مسئوليتهايي در آن تشکيلات به عهده داشتند.

در اینجا بايد گفت که کتاب الشوف ابن زيات موارد مورد نیاز ما را برآورده نکرد؛ زيرا ابن زيات هرچند به شرح حال برخى از شخصيتهايي که در دوران موحدين مى‌زیستند اهتمام نشان داده، اما اطلاعات وى فقط درباره کرامتهاى اوليا و داستانهاى صوفيان بوده است. و من فقط یک اشاره پيرامون اختيارات قاضى الجماعة (جماعت) در آن یافته‌ام. در اینجا شايسته است به يکى از اين کتابها اشاره کنيم و آن، کتاب الانساب في معرفة الاصحاب است. مؤلف ناشناخته اين کتاب معلومات فراوانى درباره تشکيلات موحدين در اختيارمان قرار داده که در منابع ديگر نيافته‌ايم.

و اما بيشتريين فايده‌اى که از تذکره‌هاى مشرقيان برده‌ايم، از کتاب وفيات الاعيان و أبناء

۱. چاپ چاپخانه ثعالبیه (الجزایر، ۱۳۲۸ هـ)، و ما به آن با نام عنوان الدراية اشاره کردیم.
۲. اين کتاب را لوى پروونسال ضمن کتاب بيدق: اخبار المهدي و ابتداء دولة الموحدين (پاریس، ۱۹۲۸ م). و ما آن را با نام اخبار المهدي خواهيم آورد.
۳. چاپ صالح اشتر (دمشق: ۱۹۶۱ م).
۴. چاپ ابراهيم ابيارى (قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۴ م)، و به آن با نام الغصون اليانعة اشاره خواهيم کرد.
۵. چاپ ابراهيم ابيارى (قاهره، ۱۹۵۹)، و به آن با نام اختصار القدح اشاره خواهيم کرد.
۶. چاپ چاپخانه المعاهدة (قاهره، ۱۳۵۱ هـ) و به آن با نام الديباج اشاره خواهيم کرد.
۷. چاپى که از کتاب حاشية الديباج به آن رجوع کردیم و با نام نيل الابتهاج به آن اشاره نمودیم.
۸. چاپ ادولف فور (رباط ۱۹۶۲ م) و ما به آن با نام الشوف اشاره خواهيم کرد.
۹. به تصحيح ابراهيم شيوخ (دمشق، ۱۹۶۲ م) و به آن با نام برنامج الرعيني اشاره خواهيم نمود.

الزمان^۱ از ابو عباس احمد بن خلکان (د ۱۲۸۲/۶۸۱) بود؛ از این جهت که ابن خلکان در دوران دولت موحدین می‌زیست و پیرامون خلفای آن شرح حالهای نسبتاً طولانی با بهره‌گیری از آثار مشرقیان، مغربیان و برخی از روایت‌های مستقیم کسانی که از مغرب به مشرق سفر کردند، آورده و روایت‌های بسیاری دربارهٔ تشکیلات سیاسی، نظامی و مالی به‌دست داد.

مآخذ جغرافیایی و سفرنامه‌ها

ابوعبدالله محمد بن محمد ادریسی (د ۱۱۶۲/۵۶۲) معاصر دوران تأسیس دولت موحدین بود، و در کتاب زهه^۲، اخبار مربوط به قبیلهٔ بنی هلال را -که بعدها به صورت عنصر اساسی در ارتش موحدین درآمدند- آورده است. و اما مؤلف ناشناخته‌ای که کتاب الاستبصار فی عجائب الامصار^۳ در حدود سال ۱۱۹۱/۵۸۷ تألیف کرده بود و در دیوانهای موحدین فعالیت داشت، اطلاعات بسیاری دربارهٔ اصلاحات عمرانی موحدین ارائه داده است. همچنین در ذکر اوضاع اقتصادی مغرب عنایت خاصی نشان داده است.

و اما فایده‌ای که از کتابهای متاخر برده‌ایم، برگرفته از سفرنامهٔ ابوعبدالله محمد بن محمد بن احمد تیجانی (د ۱۳۱۷/۷۱۷) است^۴، ولی اطلاعات او محدود به منطقهٔ افریقه (تونس) بود. و اما بیشترین فایده را از کتاب الروض المعطار^۵ از ابوعبدالله محمد بن عبدالمنعم حمیری -که آن را در سال ۱۴۶۲/۸۶۶ تألیف کرده- برده‌ایم. وی در این کتاب به کشمکش شیوخ موحدین و اثر آن در سرنوشت این دولت اشاره کرده است. همچنین این کتاب تنها منبعی است که اطلاعات نسبتاً کاملی دربارهٔ ناوگان دریایی موحدین، به ویژه ابزارآلات و کشتیهای آنها در اختیار ما قرار می‌دهد.

۱. چاپ محمد محبی الدین عبدالحمید (قاهره، ۱۹۴۸-۱۹۴۹) و ما به این منبع با نام وفیات الاعیان اشاره کردیم.

۲. به کتابی که بیریس در مورد توصیف شمال افریقا و صحرای آن منتشر کرد، رجوع کردیم (چاپ الجزایر، ۱۹۵۷ م).

۳. این کتاب را سعد زغلول عبدالحمید تصحیح کرد (چاپ اسکندریه، ۵۸)، و به آن با نام استبصار اشاره خواهیم کرد.

۴. این سفرنامه را حسن حسنی عبدالوهاب تصحیح کرده و با نام رحلة التیجانی منتشر کرده است، و ما به آن با نام الرحله اشاره خواهیم کرد.

۵. لوی پروونسال توصیف اندلس را تحت عنوان: صفة جزيرة الاندلس منتخبة من كتاب الروض المعطار فی خبر الاقطار (قاهره، ۱۹۳۷ م) منتشر کرده، در این تحقیق به آن با نام الروض المعطار اشاره خواهیم کرد.

دائرة المعارفها و کتاب های آیین کشورداری

به دو کتاب از دایرة المعارفها رجوع کرده ایم، کتاب نخست، نهاية الأرب فی فنون الأدب از شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب نویری (د ۱۳۳۷/۷۲۳) است، و ما از بخش تاریخی آن - که به مغرب مربوط است -^۱ بهره بردیم. به نظر می رسد اطلاعاتی که در آن در مورد موحدین آمده است، اقتباس از ابن اثیر و عبدالواحد مراکشی و ابن خلکان می باشد؛ کتاب دوم، صیح الاعشی فی کتابة الانشا^۲ از شهاب الدین احمد بن علی قلقشندی (د ۱۴۱۸/۸۲۱) است که در آن تعدادی از نامه های موحدین را آورده، و روش آنان را در نوشتن نامه هایشان بیان کرده است.

اما کتابهای مربوط به آیین های کشورداری، بهره های بسیاری برای ما در برداشت؛ برای مثال کتاب الاحکام السلطانية و الولايات الدینیة^۳ از علی بن محمد بن حبیب ماوردی (د ۱۰۵۸/۴۵۰) که از طریق آن توانسته ایم بین اندیشه های موحدین و نظریه های اهل سنت مقایسه کنیم. همچنین ابوالحسن علی بن عبدالله بن حسن نباهی (د اواخر قرن ۸ ق. / ۱۴ م) اطلاعات ارزشمندی پیرامون قضاوت در مغرب و اندلس در کتاب خود المرقبة العلیافینم يستحق القضاء و الفتیاء^۴ در اختیار ما قرار داده است.

همچنین کتاب ابوالحسن علی بن یوسف حکیم تحت عنوان الدوحة المشتبکة فی ضوابط دارالسکه کمک های شایانی در بررسی سکه های موحدین داشته؛ به خصوص که مؤلف در امور مربوط به پول و ساختن آن متخصص بوده است.^۵

تحقیقات و مطالعات

الف) عربی

در میان مطالعاتی که به زبان عربی تألیف شده، پژوهشگری وجود نداشته که تشکیلات دولت موحدین را بررسی کند؛ اما پژوهشگرانی بودند که برخی از جلوه های تمدن آن را

۱. این بخش را جسیار و ریمبرو (گرنادا، ۱۹۱۹ م) منتشر کردند.

۲. چاپ دار الکتب المصریة، ۱۹۱۳-۱۹۱۹ م.

۳. چاپ چاپخانه مصطفی بابی حلبی (قاهره، ۱۹۶۶ م).

۴. این کتاب با نام تاریخ فضاة الاندلس (بیروت، المکتب التجاری للطباعة و النشر و التوزیع) منتشر شده، و ما در این تحقیق به آن با نام المرقبة العلیا اشاره خواهیم کرد.

۵. نک: الدوحة المشتبکة فی ضوابط دار السکه (تصحیح: حسین مونس، مادرید، چاپخانه معهد الدراسات الاسلامیة، ۱۹۶۰ م) ص ۳ و ما به آن با نام الدوحة المشتبکة اشاره خواهیم نمود.